



اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان
است.
منصور حکمت

جوانان کمونیست ۱۱۰

نشریه سازمان جوانان کمونیست

۱۵ مهر ۱۳۸۲
۷ اکتبر ۲۰۰۳

www.jawanan.org

سردبیر: مصطفی صابر

سه شنبه ها منتشر میشود

قربانیان اسلام نرسی یگانه

پسر دوست دخترش را با رعایت تمام جوانب امنیتی به منزل میآورد و از ترس با خبر شدن همسایگان و اهل منزل تصمیم می‌گیرند که مخفیانه به گاراژ بروند و داخل اتومبیل بنشینند. اما کم‌کم در این محیط سر بسته گرمشان می‌شود و پسر فکر بکری به سرش می‌زند. برای خلاصی از شر گرما و مزاحمان ماشین را روشن می‌کند تا از سرمای کولر آن بهره‌مند شوند، اما نمی‌دانند که چه خطری در کمین‌شان نشسته است. پس از مدتی بر اثر کارکرد ماشین و مصرف اکسیژن هوا در محیط سر بسته گاراژ، گاز سمی منواکسیدکربن تولید می‌شود که به خاطر نبود تهویه کافی پسر را به خواب ابدی میفرستد و دختر دچار ضایعات شدید مغزی میشود. به نظر شما محیط یک جامعه چقدر باید محدود و خفقان آور باشد که عرصه را آنچنان بر جوانان ما تنگ کند که دست به اعمال خطر ساز بزنند و جان خود را در این راه ببازند؟ امید ما و حرکات امروز ما برای آینده‌ای بهتر و انسانی‌تر است تا محیط زیست سالمی برای فرزندانمان باشد بدون ترس از شلاق و سنگسار و قطع دست و پا و قرن بیست و یکم ایندلوژی ۱۴۰۰ سال پیش همچنان قربانی می‌گیرد!

در همه عرصه‌ها، فراخوان به اقدامات توده‌ای و ایجاد تشکل‌های توده‌ای و بویژه شوراهای، دخالت فعال در هر عرصه زندگی سیاسی و اجتماعی و مقابله با تمام تلاشهای اپوزیسیون راست برای کند کردن لبه تیز جنبش انقلابی، ساختن یک فضای فعال بین المللی و کسب حمایت افکار عمومی جهانی از انقلاب و آزادی و برابری در ایران و اقدامات گوناگون دیگر همه اکنون عاجل‌تر از گذشته روی میز رهبری حزب کمونیست کارگری و کادرهای آن قرار دارد. بی تردید کنگره چهارم حزب میتواند محلی برای یکجا کردن همه این مولفه‌ها و اعلام آن به جامعه باشد. کنگره چهارم، کنگره انقلاب است!



اعتصاب سراسری معلمان



سندج سرخ و...

تردید کار توده‌هاست. اما در عین حال انقلاب بدون حزب انقلابی و بدون اراده انقلابی و متشکل توده‌های مردم صورت نمی‌گیرد، یا در اولین تلاشها میتواند متوقف شود، و اگر هم صورت بگیرد الزاما پیروز نخواهد شد. نکته شورانگیز در اوضاع ایران اینست که همه ملزومات یک انقلاب پیروزمند یکجا دارد آماده میشود. این وظیفه سنگینی بر دوش عنصر آگاه و متشکل و ابدیده این انقلاب قرار میدهد. به نظر من حزب کمونیست کارگری باید رسماً ستاد رهبری انقلاب را تشکیل دهد. باید ابزارهای رهبری انقلاب را با سرعت مهیا کند. بخط کردن کل نیروهای حزب حول نقشه‌ای روشن برای انقلاب، ساختن ابزارهایی نظیر تلویزیون «کانال جدید»، گرفتن آرایش کل حزب برای بیشترین انعطاف و سرعت عمل در اوضاع انقلابی، برقراری رابطه نزدیک با رهبران عملی

کنگره انقلاب!

مصطفی صابر

انداخته است) جز از یک خیزش عمومی و توده‌ای و از پایین برای یکسر کردن تکلیف جمهوری اسلامی خبر نمی‌دهد. اسم دیگر این انقلاب است. بویژه وقتی دقت کنیم که همه این وقایع بر متن یک بحران عمیق و لاعلاج اقتصادی و سیاسی رژیم اسلامی صورت می‌گیرد. این انقلاب است اگر توجه کنیم که در تمام این عرصه‌های نبرد بر علیه جمهوری اسلامی، از مبارزات معلمان، تا کارگران، از جوانان تا زنان، از قطعنامه معلمان تا طومار سندج تا شعارهای تظاهرات‌ها و اعتصابات همه جا شعارهای چپ و شیوه‌های چپ و در مرکز همه حزب کمونیست کارگری مطرح است. انقلاب بی

اعتصاب سراسری معلمان در تهران، اصفهان، کرمانشاه، شیراز، کرمان، اردبیل، ارومیه، همدان و... اقدام متمدانه و قاطع مردم سندج که در یک اجتماع علنی علیه آپارتاید جنسی اعتراض کردند، نارضایتی‌ها و اعتصابات روزمره کارگران که دارد به مراکز بزرگ سرایت میکند و حلقه محاصره رژیم را تنگ‌تر میکند، فضای شدید اعتراضی و آماده انفجار در دانشگاه‌ها که در تدارک تکرار وقایع ۲۰ خرداد تا ۱۸ تیر است، اوضاع بهم ریخته داخلی رژیم اسلامی (که حتی نوه خمینی را هم به فکر عافیت

لحظه سرنوشت ساز در ستایش انقلاب فواد عبدالمی



جمهوری اسلامی پروسه وجودی خود را طی کرده و دیگر عملاً مکانیسمی برای تمدید بقا ندارد. جایی که دیگر انقلاب لکومیتیو جامعه و تاریخ میشود، بر سر زمانها می‌افتد و یک ضرورت عینی برای واژگونی و برهم زدن نظم کهنه و پوسیده می‌گردد، فرا رسیده است. دیگر حتی یک وجب عقب نشینی یعنی: خودکشی...

حسابها همه تصفیه شده و مشکل چیزی از قلم افتاده باشد. لحظه تاریخی و سرنوشت ساز به گور سپردن رژیم خدا، سرمایه و شکنجه و اعدام فرا رسیده است. دیوار اسلام پوسیده است، و با ضعیف‌ترین تکان فرو میریزد. اینکه هنوز جمهوری اسلامی بر مسند قدرت است، دال بر اینست که انقلاب پروسه پالایش را می‌گذراند. مسله رهبری، این اکنون مقوله حیاتی است.

اینجاست که کمونیسم کارگری نه شبی بر فراز ایران، بلکه جنبشی روی زمین و پیشاپیش توده مردم به پا خاسته برای کسب قدرت سیاسی، عرض اندام کرده است. درست اینجاست که انسانیت با احساس سنگینی بار مسئولیت انقلاب بر کرده اش، پرچم مارکس را بلند خواهد کرد و بیش از پیش به شناخت این ضرورت یعنی انقلاب پی میبرد. آنچه چنین وظیفه‌ای را برایش ایجاد میکند استدلالاتی منطقی نیست، بلکه سیر واقعی حوادث، نقش تاریخی و تجربه انقلابهای پیشین بخصوص انقلاب ۵۷ میباشد.

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

کمیته های انضباطی را بیرون کنید! وضعیت عمومی مبارزه و راه حل ها

اسد گلچینی



آغاز سال تحصیلی ۸۲ در دانشگاه ها مصادف با اعتراض و مبارزه بر علیه صدور احکام کمیته های انضباطی بود که رژیم در پاسخ به مبارزات اوج یابنده ی دانشجویان در ماه های خرداد و تیر قرار داد.

مبارزات ۲۰ خرداد تا ۱۸ تیر در دانشگاه ها و محلات شهرهای مختلف ایران رژیم را به چنان عقب نشینی وادار کرد که جرات فراخوان و بازداشت دانشجویان مبارز و فعال را از طریقهای معمول یعنی وزارت اطلاعات و دادگاه نداشت. کمیته انضباطی را بیرون کنید!

(واحد اطلاعات رژیم در دانشگاه) درست شدند تا به اصطلاح از خود دانشگاه به این دانشجویان برخورد شود و عوامل اطلاعات و مزدوران رژیم این امر را تحت این عنوان بعهده گرفتند. این کمیته ها در واقع اقدام از سر ترس و نگرانی رژیم در مورد دانشگاه ها و اوج گیری اعتراض و مبارزه دانشجویان است. این کمیته ها تا کنون و از جمله در تهران، کرمانشاه، مشهد، سنجند و کرمان تعدادی از دانشجویان را به احکام مختلف محکوم کرده است که با اعتراض شدید دانشجویان روبرو شده.

این تلاشها جویانه است. از سر ترس است. این همان رژیم جنایت پیشه است که به این روز افتاده است. این همان رژیمی است که قربانیانش را با چاقو قطعه قطعه میکند، اعلام و ترویج میکند و یا زندانیانش را در تابوت نگه میداشت و آنها را به صلیب میکشید. حالا این رژیم با هزار ترس و ملاحظه کمیته های انضباطی و احکامش را در دانشگاه ها راه انداخته و یا در کارخانه ها عوامل مزدورش را فعال کرده تا مگر اعتراضات را ساکت کند. اما مبارزه و اعتراضات در اشکال مختلف قوی تر شده است.

از همین شروع دور جدید مبارزات پاسخ مردم در همه بخشهای جامعه چیزی دیگری است. با یک مشاهده و از زاویه اکثریت مردم که به رژیم جمهوری اسلامی نه میگوبند و در خیابانها تظاهرات کنندگان در چند متری نیروی مسلح فریاد مرگ بر خامنه ای را سر دادند، این مبارزات چه در گستردگی و چه در سازمانیافتگی و بست گرفتن روشها و ابتکارات جدید، روشن بین تر شده است و واضح تر خواست خود مبنی بر بر انداختن این رژیم را بیان میکنند. در چنین فضایی است که اقدامات ای جنبی مانند بر پا کردن کمیته های انضباطی محکوم به شکست است. خواست برپیدن کمیته های انضباطی و لغو احکام جنایت کارانه اش را باید وسیعاً به خواست همه دانشگاه ها و دانشجویان تبدیل کرد. در این دوره از مبارزات دانشگاه باید از سد این موانع گذشت. رژیم و دم و دستگاه های اطلاعاتش با این وسیله میخواهند ضرب شست به دانشجویان نشان دهند. کمیته های انضباطی را باید

از دانشگاه بیرون انداخت، دانشگاه و دانشجویان مبارز نباید به واحد های وزارت اطلاعات تحت هر نامی اجازه حضور بدهند. عقب راندن رژیم در این زمینه و ملغی کردن کمیته های انضباطی نیاز به اقدامی سراسری و دست کم در چندین دانشگاه مهم دارد و این در شرایط امروز و مبارزاتی که در دانشگاه ها و در میان مردم هست ممکن است. این ما را به چند نکته عمومی تر راهنمایی میکند.

ضرورت مبارزه سراسری

واقعیت این است که امروز وضعیت مبارزاتی که در بخشهای مختلف جامعه و در میان دانشجویان، کارگران، معلمان و پرستاران و ... وجود دارد بشدت اعتراضی و رادیکال است. این مبارزات دارند در ابعاد سراسری تری مطرح میشوند. اشکال سازمانیابی سراسری تری هم بخود گرفته است. رهبران و فعالین این مبارزات در چنین وضعیتی و چنین اعتراضی این نیازمندی را دارند بیش از پیش احساس میکنند و به این ضرورت دارند جواب میدهند. این امر باید آگاهانه در دستور فعالین و رهبران مبارزات در بخشهای مختلف قرار بگیرد. سراسری شدن اعتراض، این را ما باید به مشخصه این دوره از مبارزات تبدیل کنیم. هر اعتراض و مبارزه ای را در هر گوشه و برای هر درجه از آزادی و برابری باید بر پا کرد، اما عقب نشانیدن رژیم و دست یابی به هر کلام از خواستها در گرو هرچه بیشتر سراسری کردن اعتراض و مبارزات است. این یکی از موانع های هر طرح و نقشه ای در این دوره است.

سازماندهی توده ای

رودرویی روزانه مردم برای آزادی و رهایی از استبداد و فقر و فلاکت و برای رسیدن به آزادی و برابری و رفاه در اشکال مختلف تانکونی تظاهرات و اعتصاب و تحصن و ... آغاز شده است و در اشکال مختلف و متفاوت و متنوع تری ادامه خواهد یافت. هدایت این اعتراضات در جهت اهدافی که دارند کار ما و همه کمونیستها و انقلابیونی است که هم اکنون در ابعاد وسیعی به فعالیت مشغولند. در این میان اتکا کردن بر سازماندهی توده ای

و سازمانیابی توده ای در هر اعتراض و در هر مبارزه ای یک اصل حیاتی برای پیشروی و پیروزی است. بدون اینکه ملزومات این کار و نیازمندیهای آن به نسبتی که خود رهبران و هدایت کنندگان این اعتراضات تشخیص خواهند داد، فراهم شود. پیشروی ممکن نیست.

رهبران و فعالین، جمع ها و گروه ها و شبکه هایی که در پی هدایت و رهبری این مبارزات هستند به روشها و شکل های فعالیتی متفاوتی میرسند، در این مبارزات و جنبشی که در آن هستیم پیش کشیدن هر شکل فعالیتی و هر شکل اعتراضی متفاوت طبیعی است. از مبارزه مسلحانه تا اعتصاب و تحصن و تجمع و طومار و کم کاری و راه بندان و ... وجود دارد و پیشنهاد میشود. فضای تعرضی و انقلابی زمینه ایست که این اشکال و ابتکارات را ممکن کرده است. اما چیزی که این جنبش را به جلو خواهد بود روشن بینی در اهداف و ملزومات تحقق هر خواست، در هر مطالبه کوچک و بزرگی است، و سازمان دادن و ترغیب کردن جمعیت های بزرگ و آماده شدن آنها برای پیشبرد و به پیروزی رساندن هر حرکت است. در حال حاضر سراسری کردن و سازماندهی توده ای هر اعتراض ویژه در مراکز کار و دانشگاه و برای معلمان و زنان و برای پیشروی به امری حیاتی تبدیل شده است.

حزب کمونیست کارگری و فعالین کمونیست

به هر اندازه که سرنگونی رژیم نزدیکتر میشود حزب کمونیست کارگری از نظر مردم به عنوان آلترناتیو و حزبی که رهبری این جنبش را بعهده دارد بیشتر مطرح میشود. راه حل هایی دیگری که در جامعه در مقابل رژیم قرار دارد یا به آمریکا دل بسته اند و یا به «روزه سیاسی»! اینها نتوانستند و نمیتوانند به اهداف و آرزوهایی که جوانان، کارگران، زنان، معلمان و همه اقشار مردم محروم در پی آند پاسخ بدهند.

حزب کمونیست کارگری و آرمان و افق و خواست و مطالبات و روشها مبارزاتی اش برای جامعه راه گشا است و آلترناتیو است. چفت شدن و همراه شدن هر چه بیشتر این جنبش با حزب و سیاستها و روشهای مبارزاتی و شعارهایش خود از ضروریات بیرون رفتن از معضل کنونی این جنبش است.

تبریک به مناسبت آزادی آمنه لاوال

دفاع بی قید و شرط شما از انسان این پیروزی را ممکن کرد

رفیق مینا احدی

آزادی آمنه لاوال تنها نجات جان یک انسان از چنگال توحش اسلامی نیست. تاریخ مملو از بشردوستانی است که قربانیان بیعدالتی را نجات داده دادند. این پیروزی خاصیتی وسیع تر دارد. علاوه بر نجات جان آمنه لاوال این پیروزی بشریت متمدن بر بربریت اسلامی است. این پیروزی تنها با دفاع بی قید و شرط شما از انسان، ظاهرا ناتوان، در مقابل

حکم خداوند غدار و عاملین آن در زمین ممکن شده است. جدال شما در مقابل خود علاوه بر اسلام سیاسی خیل طرفداران نسبیست فرهنگی را داشت. شما بشریت متمدن را علیه کل اردوی ضد انسان به میدان کشیدید. گرچه این محصول سالها تلاش کمونیست هائی بوده که جز انسان نقطه رجوعی ندارند. اما تازه شروع کار ماست. دستتان را میفشارم و به شما و به همه دست اندرکاران کمپین علیه سنگسار، سازمان آزادی زن، حزب کمونیست کارگری ایران و همه تشکلهای دیگری که این کار را ممکن کردند تبریک میگویم.

گورش مدرسی

۵ اکتبر ۲۰۰۳

همین پنجشنبه جلسه آموزشی در پانتاک

هفته آینده ادامه بحث کمونیسم کارگری و پاسخ به سوالات رسیده خواهد بود.

ورود به این اتاق عموم آزاد است. بویژه از تمام اعضا، فعالین و دوستداران سازمان جوانان دعوت میکنیم که به طور پیگیر در این جلسات شرکت کنید. این امکانی است در کنار دیگر مکانیسمهای رایج برای تبادل نظر و ارتقا سطح آگاهی و شناختان در مورد کمونیسم کارگری، پاسخهای ما و آلترناتیو ما به معضلات پیشروی جنبش جوانان.

پنجشنبه، ساعت ۸ شب به وقت اروپای مرکزی، ۱۰ و ۳۰ دقیقه به وقت ایران به اتاق «آموزشی، پاسخهای ما و آلترناتیو جوانان کمونیست»، به صورت هفتگی و توسط آذر مدرسی، عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری، ارائه خواهد شد.

در این جلسات مباحث مختلفی بصورت دوره ای دنبال خواهد شد. همینطور بنا به علاقه و تقاضای اعضا، بحثهای سیاسی مشخصی را در دستور خواهیم گذاشت. سورههای بحث هر هفته و از قبل اعلام خواهد شد. سوره

آموزشی جوانان، پال تاک، پنجشنبه ۹ اکتبر برابر با ۱۷ مهر ماه ساعت ۸ شب به وقت اروپای مرکزی، ۱۰ و ۳۰ به وقت ایران خوش آمدید!

برنامه های آموزشی سازمان جوانان در پال تاک، هر هفته روزهای پنجشنبه برگزار میشود. این جلسات هر پنجشنبه از ساعت ۸ شب به وقت اروپای مرکزی و ۱۰ و ۳۰ به وقت ایران تشکیل خواهد شد.

این جلسات در اتاق «آموزشی، جوانان کمونیست»، به صورت هفتگی و توسط آذر مدرسی، عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری، ارائه خواهد شد.

در این جلسات مباحث مختلفی بصورت دوره ای دنبال خواهد شد. همینطور بنا به علاقه و تقاضای اعضا، بحثهای سیاسی مشخصی را در دستور خواهیم گذاشت. سورههای بحث هر هفته و از قبل اعلام خواهد شد. سوره

وقتی خودشان

اعتراف میکنند!

فواد روشن



امیرفرشاد ابراهیمی که از سال ۱۳۷۲ تا سال ۱۳۷۸ مسؤل حزب الله در ایران بوده است مدتی است که به گفته خودش از این جریان بریده و مدت چند سالی است که پار علیرضنا نوری زاده است و گزارشات او از تظاهراتهای دانشجویان در تهران و وضعیت داخلی رژیم اسلامی مورد استناد علیرضنا نوری زاده قرار میگرفت و همچنان قرار میگردد.

در آخرین مصاحبه امیرفرشاد با رادیو اسرائیل دوشنبه ۲۹ اکتبر (این مصاحبه هنوز در سایت رادیو اسرائیل قابل دسترسی است) با اظهار تأسف، حزب کمونیست کارگری را جزو چهار نیروی اصلی و فراگیر در صحنه سیاست ایران برشمرد، حتی فراگیرتر از مجاهدین.

آقای نوری زاده ضمن زدن اتهامات گوناگون به حزب زمانی میگفت این حزب را چند محفل چند نفره در آلمان به گفته خودش از این جریان بریده و مدت چند سالی است که پار علیرضنا نوری زاده است و گزارشات او از تظاهراتهای دانشجویان در تهران و وضعیت داخلی رژیم اسلامی مورد استناد علیرضنا نوری زاده قرار میگرفت و همچنان قرار میگردد.

منصور حکمت در کنگره دوم حزب گفت که این سال، سال تشکیل کنگره، سال حزب کمونیست کارگری بود، میگفت اگر باور نمی کنید بروید از وزارت اطلاعات و فرماندار سنجند و خامنه ای وقتی میخواهد برود نماز جمعه پیرسید. می بینید که چقدر حق داشت، نه؟

فواد روشن (رزگار) ۲ اکتبر ۲۰۰۳

شرایط برای پیروزی فراهم است معلمان را به پیوستن به حزب دعوت میکنم



گفتگو با شهلا دانشپور

جوانان کمونیست: آخرین خبرها

از اعتراض معلمان چیست؟
شهلا دانشپور: تا این لحظه که دوشنبه ۱۴ مهر ماه است، میدانم که علاوه بر روز یکشنبه در روز دوشنبه ۱۴ مهر ماه نیز اعتراضات ادامه داشته است. در اصفهان بخاطر اعتصاب و تجمع معلمان در محل آموزش و پرورش بسیاری از مسائل به حالت تعطیل درآمد و به دانش آموزان قبل از ساعت معمول تعطیل مدارس اجازه خروج داده نشد تا بلکه قبل از پایان تجمع معلمان خبر اعتصاب آنان در شهر انعکاس نیابد. در بسیاری از مناطق تهران نیز معلمان مجدداً در مقابل مراکز آموزش و پرورش تجمعات اعتراضی برپا کردند. کانون صنفی معلمان این گردهمایی ها را جمعیتی خود بخودی خواند و اذعان داشت که این کانون نقشی در برنامه ریزی آنها نداشته است. هم اکنون در بسیاری جاها در تهران، اصفهان و همدان، کرمانشاه و شهرهای دیگر مدارس حالت نیمه تعطیل دارد و معلمان مصرانه خواهان مطالبات خود هستند. معلمان اعلام کرده اند که تا به خواستههایشان جواب داده نشود به اعتراضاتشان خاتمه نخواهند داد.

جوانان کمونیست: روز یکشنبه

دقیقاً چه اتفاقی افتاد؟
شهلا دانشپور: معلمان در سراسر ایران در مراکز آموزش و پرورش تجمعات اعتراضی خود را بر پا کردند و بر روی خواستههایشان پافشاری کردند. در تهران چند هزار معلم در محوطه ساختمان آموزش و پرورش جمع شدند و به محض جمع شدن فریاد اعتراض و شعارهایشان بلند شد. معلمان علیه تبعیض و علیه خفقان حاکم در مدارس شعار میدادند و مستقیماً مسئولین دولت را مورد خطاب قرار دادند. معلمان شعار میدادند که دیگر حاضر نیستند زیر خط فقر زندگی کنند و مردم را به اتحاد و همبستگی با مبارزاتشان فرا میخواندند. پس از این تجمع هنگامیکه معلمان میخواستند بطرف میدان فلسطین حرکت کنند و دست به راهپیمایی بزنند، با مقابله مامورین انتظامی روبرو شدند. در همانجا ۴ نفر از معلمان دستگیر شد و با فشار نیروهای انتظامی معلمان متفرق شدند. اما تا ساعاتی طولانی تظاهراتکنندگان در منطقه پراکنده بودند. در این روز علاوه بر تهران در شهرهای دیگر نیز تجمعات و تظاهرات بزرگی از سوی معلمان بر پا شد. در اصفهان بین ۶ تا ۷ هزار نفر در مرکز آموزش و پرورش در خیابان هشت بهشت جمع شدند. در این شهر بیشتر مدارس به حالت تعطیل درآمده بود و معلمان پی در پی با شعار دادن خواستههایشان را اعلام میکردند. تمامی فضای شهر تحت تاثیر حرکت

نارضایتی و اعتراض معلمان بیشتر دامن زد. در سال ۸۱ (۲۰۰۲) اعتراضات معلمان دوباره بالا گرفت و دست به چندین حرکت اعتراضی سراسری زدند. تا اینکه در سال جاری قبل از شروع به کار مدارس خبر تهدید به اعتصاب معلمان در روز ۱۳ مهر (۵ اکتبر ۲۰۰۳) روز جهانی معلمان در روزنامه ها منعکس شد. در شهریور ماه امسال معلمان تصمیم گرفتند در روزهای ۱۳ و ۱۴ مهر ماه (۵ و ۶ اکتبر) دست به اعتصابی سراسری بزنند و خواستههای خود را پیگیری کنند. معلمان اعلام داشتند که اگر بازمه پاسخی نگیرند در ۲۴ آبانماه (۱۵ نوامبر) دست به تحصن خواهند زد.

جوانان کمونیست: کلا فکر میکنید

الان حرکت معلمان در کجا قرار میگیرد؟ با این حرکت چقدر میتواند جلوتر برود، چطور میتواند جلوتر برود؟
شهلا دانشپور: امروز بهترین شرایط برای مبارزات معلمان فراهم است و این شانس پیروزی این مبارزات را بدرجه زیادی بالا میبرد. مبارزه معلمان هم به لحاظ سازمانیافتگی و قوام یافتگی خود و هم به لحاظ شرایط سیاسی امروز جامعه در موقعیت مساعدی قرارگرفته است. به همین حرکت اعتراضی اخیر نگاه کنید. معلمان از قبل یعنی از شهریور ماه تصمیم گرفتند برای پیگیری خواستههایشان دست به حرکتی سراسری بزنند و در ۱۳ مهرماه تصمیم خود را عملی کردند. با وجود اینکه برای صمانعت از این حرکت اعتراضی رژیم به حربه های مختلفی متوسل شد، اما نه قول و وعده های آن و نه تهدید کردنیهای تاثیر داری در تصمیم معلمان و ادامه این مبارزات نگذاشت. روز قبل از ۱۳ مهرماه دادگاه انقلاب اسلامی با مسئولین کانون صنفی معلمان تماس گرفت و خواهان لغو این حرکت شد، سازمان معلمان اعلام داشت که این حرکت مورد تایید آنها نیست، از سوی رژیم به کلیه رسانه ها بخشنامه داخلی داده شد که از انعکاس حرکات اعتراضی معلمان خودداری کنند، اما دیدیم که معلمان تجمعات خود را بر پا کردند. دیدیم که در یکروز در سراسر ایران بیش از بیست هزار معلم بیرون آمدند و دست به اعتراض زدند. این یک نقطه قوت مهم معلمان در مبارزاتشان است.

از سوی دیگر به موقعیت معلمان و حرکات اعتراضی امروز آنان باید در متن اوضاع سیاسی کنونی ایران نگاه کرد. امروز اوضاع سیاسی ایران بیش از هر وقت ملتهب است و این مساله جایگاه ویژه تری به حرکت اعتراضی امروز معلمان نسبت به سال قبل و سالهای قبتر آن میدهد. این اعتراضات بعد از ۲۰ خرداد و ۱۸ تیر، بعد از اعتراضات گسترده سراسری مردم ایران علیه جمهوری اسلامی است که اتفاق می افتد و مهم است. امروز هر حرکت اعتراضی ای با پشتیبانی وسیع مردم روبرو میشود. اعتراض علیه جمهوری اسلامی به عمق جامعه کشیده شده و هم اکنون در میان همه بخش های جامعه، کارگران، دانشجویان، پرستاران، پزشکان همه و همه شاهد جنب و جوش و اعتراض هستیم. در چنین شرایطی

بیشترین زمینه جلب همبستگی و پشتیبانی در میان این مبارزات وجود دارد. هر آن ممکن است ما با یک خیزش سراسری دیگری چون ۲۰ خرداد اما این بار در ابعادی گسترده تر باشیم. بدون شک در این شرایط اعتراضات معلمان در موقعیت بهتری برای رسیدن به خواستها و مطالباتش قرار دارد. درک همین شرایط است که امروز به معلمان در مبارزاتشان و در پیگیری برای خواستههایشان قدرت و اعتماد به نفس میدهد.

اما آنچه که امروز بیش از هر چیز میتواند معلمان را در مبارزاتشان به جلو ببرد، بوجود آمدن تشکلهای واقعی معلمان است. در طول این چند سال معلمان بدلیل محرومیت از تشکل واقعی خود همیشه از فراخوانهای تشکلهای علیی قانونی موجود استفاده کرده ولی هیچگاه در محدوده ای که آنها تعیین کرده اند باقی نمانده و خواستها و مطالبات خود را جویا شده اند. در حرکات اخیر نیز هنگامیکه معلمان در ۱۴ مهرماه به تجمعات خود ادامه دادند، کانون صنفی معلمان اعلام کرد که این تجمعات خود بخودی و خارج از برنامه ریزی آنها صورت گرفته است، اما معلمان همچنان جمع شدند و اعلام کردند تا وقتی به خواستههایشان پاسخ داده نشود به مبارزاتشان ادامه خواهند داد. میخواهم بگویم که معلمان نیاز به تشکل واقعی سراسری خود دارند و امروز در یکدمی ایجاد چنین تشکلی قرار دارند. طی مبارزات همین چند ساله در بین معلمان نه تنها در تهران بلکه در سطحی سراسری شبکه ای از روابط بهم بافته بوجود آمده است. شبکه ای از روابط معلمان معترض و رادیکال. این شبکه ارتباطی در راس اعتراض معلمان رادیکالیسم را نمایندگی کرده است. امروز وقت آنست که معلمان رسماً و علناً در اجتماعاتشان تشکل واقعی خود را رسمیت دهند و تشکل خود را بوجود آورند. امروز وقت آن رسیده است که این گام بزرگ برداشته شود و معلمان تشکلهای واقعی خود را ایجاد کنند.

جوانان کمونیست: شما بهتر میدانید که معلمان در سراسر جهان تشکل های قوی دارند و میتوانند و مایلند از معلمان ایران دفاع کنند. نمی خواهید پرچمدار سازمان دادن این همبستگی بشوید؟

شهلا دانشپور: حزب کمونیست کارگری ایران همواره در انعکاس اخبار اعتراضات نه تنها کارگران بلکه همه اقشار جامعه در چه در داخل ایران و چه در سطحی بین المللی فعالیت کرده است. همواره مبتکر کمین های همبستگی بین المللی بوده است و من بعنوان یک عضو کمیته مرکزی این حزب در زمینه اعتراضات معلمان نقش فعالی داشته ام. در رابطه با سازمانهای بین المللی معلمان میتوان فعالیت های گسترده تری را به پیش برد و من به آن فکر میکنم.

جوانان کمونیست: حزب کمونیست کارگری در کجای این تحولات قرار دارد؟ فکر میکنید این حزب چقدر منافع معلمان را نمایندگی میکند؟ چقدر آشنایی و سبپاتی در بین معلمان نسبت به حزب وجود دارد؟

شهلا دانشپور: حزب کمونیست کارگری ایران همواره سخنگو و نماینده خواستها و مطالبات معلمان بوده است و به نظر من نقش مهمی نیز در حرکات تشکل بودیم. کانون مستقل معلمان در آن سالها نقش مهمی در سازماندهی اعتراضات معلمان علیه رژیم شاه و پس از آن در دفاع از خواستههای برحق معلمان داشت. در آن وقت من با نام اصلی خود پروین ترشیزیان فعال این

ابتدای سفرمون تو کشورهای آسیای
داشتم. در مالزی رفتهیم سفارت ایران
به عنوان حمایت از سفرمون به بسته
خرما بهمون دادند اما وقتی وارد آمریکا
شدیم از طرف شهردار لوس آنجلس ممال
طلا ایالت کالیفرنیا را که فقط به
سفرای کشورهای مختلف می دادند،
دریافت کردیم. می خواستم بگم که طرز
تفکرها و دیدگاه ها چقدر متفاوتند.

سوال: ممکنه ۱ سال دیگه برگردید
ایران آینده تون چی می شه؟ آیا فکر می
کنید که از طرف دولت بهتون کمک بشه؟
حسن علیزاده: راستش تنها چیزی که
در ایران بهش فکر نمی شه همین مساله
جوانهاست. مسئولین ایران چه در پیش
خودشون و چه در حافظه تاریخ شرمند
جوانهای ایران هستند، واقعا شرمند
هستند، چون هیچ کاری براشون نکردند،
ایران هم که انبوهی از جوانهای زیر ۳۰
سال را در خود جای داده و همشون هم
کار می خواهند، آینده می خوان، و
متأسفانه هیچ گونه برنامه ریزی براشون
نشده. چه از نظر امکانات ورزشی، چه
آموزشی و چه کاری و تعلیمی. من هم
مثل همه این جوانها ازشون انتظاری ندارم
و وقتی هم که شروع کردیم، حمایت
نکردند و به امید تشویق اونها هم این کارو
شروع نکردیم. لافاقل همین که نتوانستند
جلوی سفرمون رو بگیرند خودش کلیه.



بی توجهی نشون دادند؟ حداقل می
بایست گزارش ماهیانه سرفتون رو به مردم
ارائه می دادند؟

امیر احمدی: راستش شروع سفرمون
اصلا با بی توجهی روبرو بوده برای همین
نخواستیم که این بی توجهی ها ما رو
از رفتن باز بلاره ما عضو فدراسیون
دوچرخه سواران ایران هم هستیم و ۱۰
سال هم سابقه داریم و اولین کسانی بودیم
که از طرف فدراسیون امتیاز سفر به دور
دنیا رو کسب کردیم. وقتی امتیاز را
گرفتمیم مانند هر گروه ورزشی دیگه می
بایست از کانال وزارت خارجه ایران رد
می شدیم و آنها حتی یک نامه هم بهمون
ندادند که حد اقل بتونیم ویزاها رو راحتتر
بگیریم، ما هم از این بیشتر انتظاری
نداشتیم و می شه گفت شاید بدترین
برخوردها رو در سفارتخانه های ایران در

سوال: در این مسیر چه مقدار بار با
خودتون حمل می کردید؟

امیر احمدی: کل بارهامون حدود
۵۰ کیلو میشه که بالا و پائین هم میره
از لباس گرفته تا وسایل یدکی دوچرخه
و چادر و غیره.

سوال: به طور متوسط در روز چقدر
رکاب می زدید؟

حسن علیزاده: روزانه متوسط ۱۰۰
کیلومتر رکاب میزیم که اون هم
بستگی داره به شرایط جوی و وضعیت
جاده ها.

سوال: مسئله مالی شما در این سفر
چگونه بوده است؟

امیر احمدی: راستش همه این سوال
و از ما پرسیدند به خصوص خارجی ها!
ایرانی ها هم که خودشون میلیون وضعیت
چه جوریه. ولی خارجی ها اکثرا فکر می
کنند ما خانواده های ثروتمندی داریم. ما
قبلا نیز سفرهای کوتاه بسیاری داشتیم و
یه چیزی که یاد گرفتیم اینه که چه جوری
می شه با حداقل امکانات سفر کنیم.
رکاب زیاد بزینم و غذا کم بخوریم. سفری
که ما شروع کردیم هر کلام ۲۰۰۰ دلار
داشتیم که اون هم بعد از یک سال
دوندگی تونسسیم از تربیت بنی دانشگاه
آزاد که اونجا دانشجو بودیم بگیریم. تا
نزدیکی های ژاپن خودمون و با این پول
رسونیم با صرفه جوئی کامل و اونجا بود
که هفکیرمون خورد به ته دیگ و اونجا
یه دکتر ایرانی کمکمون کرد تا هم ویزای
کانادا رو بگیریم و هم دوچرخه هامون را
عوض کنیم. در کانادا هم یه خورده
بهمون کمک شد و حتی در ونکوور کار
هم می کردیم و بارهای کانتینر را خالی
می کردیم. اما در کل دل به دریا زده ایم
که بریم جلور. در آمریکا هم یه آقای ایرانی
بلیط هواپیما واسمون تهیه کرد. خلاصه
به همین شیوه خودمون رو رسونیم اینجا.

سوال: پیامتون چی به برای جوانهای
ایرانی به خصوص در این شرایط و اوضاع
جلبیدی که در جریان است؟

حسن علیزاده: باید به خودشون اطمینان
داشته باشند که آینده مال آنهاست. چنان
نمانند و چنین هم نخواهد ماند. فقط
امیدوارم که بایستند و بیشتر به فکر
خودشون و به فکر آینده شون باشند و
امیدوارم که عزیزانی هم که در دام
اعتیاد هستند خودشون را خلاص کنند
و به فکر راهی بهتر، دنیایی بهتر و آینده
ای بهتر برای خودشون باشند. دلهای
همعا یکویه.

امیر احمدی: من هم همون آرزوها
رو براشون دارم، ورزش و فراموش نکنند
این که می بینم این چند ساله وقتم برای
ورزش گذاشتم خیلی راضیم و با افراد
سالمی تو دنیا آشنا شدم که سرمایه های
سفر من و زندگی من هستند.

سوال: به نظر شما فکر نمی کنید
رسانه های ایران به نسبت ابتکار جالبتون

آدمها زیباترین اند! گفتگو با دو جهانگرد رکاب زن!

رضا کمانگر و سهند حسین زاده،
دوستان عزیز جوانان کمونیست در فنلاند
مصاحبه ای با دو نفر جهان گرد جوان
ایرانی به نامهای حسن علیزاده و امیر
احمدی انجام داده اند که دور دنیا را با
دوچرخه طی میکنند. با تشکر از دوستانمان
به بخش هایی از این گفتگو توجه کنید:

امیر احمدی در مورد انگیزه این سفر
دور دنیا میگوید: من ایران دانشگاه می
رفتم و به خاطر این سفری که شروع کردیم
راستش زیاد به دانشگاه اهمیت ندادم،
چون به نظر من این کاری که شروع کردم
برام با ارزشتر از هر دانشگاهی بود... البته
خیلی مشکل داشتیم اما خواستیم
پیامون رو به مردم جهان برسونیم و به
نظر من بهترین پیامی که می تونسسیم
داشته باشیم همون پیام صلح و دوستی
برای مردم جهان بود.

حسن علیزاده تایید میکند: همون
جوری که امیر گفت تقریبا ۱۰ ساله
رکاب میزیم. سعی ما بر این بود که در
کنار رشته ورزشیمون بتونیم چهره انسانی
از مردم ایران ارائه بدیم و حامل پیام
صلح و دوستی برای جهانیان باشیم.
در مورد خاطره های جالب این سفر
امیر احمدی میگوید:

راستش خاطره زیاده و بعضی ها هم
خنده دار. سفر اولی که ما داشتیم با
دوچرخه تا سوریه رفتیم و ادامه دادیم تا
مرز عربستان. به سوریه که رسیدیم آیت
الله توسلی رئیس دفتر آیت الله خمینی
اونجا بودند. به گوشش رسید بود که دو

تا دوچرخه سوار ایرانی از راه رسیدند.
ایشون گفته بود که می خوام اونا رو ببینم
و یک هدیه نفیس بهمون بدم! ما هم با
خودمون فکر کردیم که این جایزه نفیسی
که می خواد بهمون بده چی باید باشه؟

مارو بردند یه خونه ای که طبقه دومش
توسلی اقامت داشت. حاج آقا اونجا لم
داده بودو حتی تکون هم نخورد. فقط کله
شده تکون داد و گفت بچه ها از کجا
اومدید؟ ما هم واسش تعریف کردیم بعد
که سوالاتش تموم شد گفت که بچه ها
حالا بیاید می خوام یه چیزی بهتون بدم.
دیدیم بلند شدند، تو گوش چپ حسن یه
دعا، تو گوش راستش یه دعا، و مال
من هم تو گوش راست و چپ هر کدوم
یه دعا! و بعد همینجوری وایساده بودیم
که هدیه نفیس ما چی شد. گفت بچه ها
چرا وایسایدین این بهترین هدیه ای بود که
می تونسستم بهتون بدم. بعد مردم دور ما
جمع شدند و پرسیدند بچه ها چی شد؟
بهتون چی داد؟ گفتیم که تو گوش ما
رو نگاه کنید. هر چی بیلا کردید حاج آقا
بهمون دادند.

حسن علیزاده: در یکی از سفرها
وقتی در جنوب ترکیه داشتیم میرفتیم
نزدیک وان یه جایی بود که اتوبوسهای
ایرانی هم از اون منطقه عبور می کردند
ولی برامون عجیب بود که چرا مسیروشون
رو کج می کنند و به یه سمت دیگه ای
می بیچند و از راه اصلی نمی رن.

خلاصه ما راه نزدیکتر انتخاب کردیم و
بین مسیر یه جایی رو برهنا چادر زدیم

سوال: در این سفر طولانی قدرت
پاهاتون از قدرت دوچرخه ها بیشتر بوده!
با دوچرخه ها چه مشکلی داشتید؟
حسن علیزاده: رکاب زدن برای ما
یک حرکت ورزشی هم هست. چون ما
دلهای مردم و با خودمون داریم و به
انسانیتشون عشق می ورزیم و همینجور
که در این ۳ سال یار و یاور و پشتیبان
ما بودند در نتیجه تونسسیم تحمل کنیم.
وقتی که گفتیم ما حامل پیام صلح و
دوستی برای مردم جهان هستیم اونها هم
حمایتون کردند، همین نشون میده اونها
تو این حرکت سهیم بودند. در مورد
دوچرخه ها بگم که این سومین دوچرخه
ایست که داریم، قبلا تا ژاپن رو با دو
تا دوچرخه خیلی معمولی ایرانی شروع
کردیم. دوچرخه دوم رو از کانادا تهیه
کردیم و تا جنوب کالیفرنیا رو باهاش
رکاب زدیم.

صفحه ۳

گفتگو با شهلا دانشفر

حمایت و پشتیبانی از مبارزات معلمان
جزیی از مبارزه خود جوانان و دانشجویان
است. از اینرو میخواهیم بگویم جوانان
و دانشجویان نقش مهمی در مبارزات
معلمان دارند. جوانان و دانشجویان با
شرکت در تجمعات اعتراضی معلمان و
پیوستن به صف اعتراضاتشان، با دادن
قطعه نامه های حمایتی از خواستههای
معلمان، با منعکس کردن اخبار
اعتراضات معلمان در سطح جامعه
میتوانند به این مبارزات کمک رسانند.
جوانان کمونیست: در مورد دانش
آموزان شاید بهتر باشد بیشتر توضیح
دهید. مشخصا چه انتظاراتی دارید؟

شهلا دانشفر: باید بر نقش دانش
آموزان بویژه ه در دبیرستانها تاکید
بیشتری بکنم. دانش آموزان میتوانند
در حمایت از معلمان برای تعطیل
مدارس و به اعتراض کاشاندن مدارس،
جلب همبستگی خانواده های خود و

مردم دیگه نقش بسیار مهمی داشته
باشند. همانطور که گفتیم یک نقطه قوت
مبارزات معلمان پیوند و نزدیکی آنها
با دانش آموزان و خانواده های آنهاست
و بطریق اولی در این رابطه دانش
آموزان در دبیرستانها نقش تعیین کننده
ای دارند. همچنانکه در اعتراضات
همین چند ساله معلمان ما شاهد این
همبستگی و حمایت دانش آموزان از
اعتراضات معلمان بودیم. به همین اعتراض
آخر معلمان در اصفهان نگاه کنید.

رژیم برای اینکه از ابعاد حرکت معلمان
بکاهد کوشید تا از خروج دانش آموزان
بیان و عقیده، حق تشکله، حق اعتصاب
و تجمع، لغو آپارتاید جنسی، لغو
حجاب اجباری، جارو کردن محیط
های آموزشی از احکام سیاه اسلامی
همه و همه خواست مشترک معلمان،
دانشجویان، جوانان و همه اقشار مختلف
جامعه است. خواست رفع تبعیض و
برابری خواست همه مردم است. بنابراین

سوال: در این شرایط و اوضاع
جلبیدی که در جریان است؟
حسن علیزاده: باید به خودشون اطمینان
داشته باشند که آینده مال آنهاست. چنان
نمانند و چنین هم نخواهد ماند. فقط
امیدوارم که بایستند و بیشتر به فکر
خودشون و به فکر آینده شون باشند و
امیدوارم که عزیزانی هم که در دام
اعتیاد هستند خودشون را خلاص کنند
و به فکر راهی بهتر، دنیایی بهتر و آینده
ای بهتر برای خودشون باشند. دلهای
همعا یکویه.

امیر احمدی: من هم همون آرزوها
رو براشون دارم، ورزش و فراموش نکنند
این که می بینم این چند ساله وقتم برای
ورزش گذاشتم خیلی راضیم و با افراد
سالمی تو دنیا آشنا شدم که سرمایه های
سفر من و زندگی من هستند.
سوال: به نظر شما فکر نمی کنید
رسانه های ایران به نسبت ابتکار جالبتون

در پاسخ به رها صفایی مصطفی صابر

دوم، وضعیتی را به سرمایه داری تحمیل کرد که مثلا در اروپا دولت رفاه بر سر کار آمد و تامین حلقه‌ای از تامین های اجتماعی برای بردگان سرمایه را برسمیت شناخت. اکنون به نظر میرسد که پس از سقوط شوروی و بالا گرفتن سیاست های دست راستی و پیروزی بازار آزاد، شرایط قرن نوزدهمی سرمایه داری دوباره باز میگردد. اما این دور جدیدی از مبارزه طبقاتی و جهانی را دامن میزند که ما تازه در ابتدای آن هستیم.

— نه تحلیل و نه بطور مشاهده ای هیچ دلیلی نیست که بگویم نارضایتی کارگران در غرب دارد کاهش می یابد. بر عکس هم مشاهده حاکمی از افزایش نارضایتی هاست. البته یک نکته مهم هست و آن اینکه اتفاقا اتحادیه ها که خود جزئی از سیستم دولت رفاه بودند، حالا دارند تحلیل میروند. این از یکسو شاید قدرت اعتراض را کاهش داده باشد اما از سوی دیگر دارد از ضرورت شکل گیری اعتراضات رادیکال و انقلابی آتی که از چهارچوب اتحادیه ای و سنت سوسیال دمکراسی (مسلط بر جنبش کارگری در غرب) فراتر میروند، خبر میدهد.

رهای عزیز خیلی خوشحالم که اینقدر دقیق و جلی مطالعه میکنی. امیدوارم نکات فشرده زیر راهی به جواب سوالات تو باز کند. همان ترتیب نامه تو را دنبال کنیم:

۱. سرمایه داری و بردگی کارگر

— بی تردید قدر مطلق سطح معیشت طبقه کارگر به نسبت قرن نوزدهم بسیار بهتر شده است. اما به نسبت ثروتی که اکنون تولید میکند بسیار بدتر شده است. بگذار یک مثال فرضی بزنم. اگر یک روز کارگر قرن نوزدهمی ۱۰ واحد ارزش تولید میکرد و سهم او ۲ واحد بود حالا کار او ۱۰۰ واحد ارزش تولید میکند و سهم او ۱۰ واحد است. در نتیجه ظاهرا وضع او از ۲ به ۱۰ رسیده است ولی بطور واقعی سهم او از یک پنجم به یک دهم کاهش یافته است. این ارقام فرضی است، در دنیای واقعی فاصله ها بسیار بیشتر به نظر میرسد. طبقه کارگر هرچه بیشتر کار میکند، با سرعتی بیشتر بر قدرت و سهم سرمایه می افزاید و خود به نسبت به موقعیت نازلتری (نازالتز از آنچه چیزی که میتواند باشد) رانده میشود. تازه دوره هایی را هم داریم که وضعیت طبقه کارگر حتی بطور مطلق نیز تنزل میکند. برای مثال هم اکنون در همان غرب، بطور آشکاری وضع طبقه کارگر به نسبت دهه هفتاد و حتی اوایل دهه ۸۰ بدتر شده است. شخصا بارها در کانادا شاهد مکالمه کارگرانی بوده ام که با یک حساب سرانگشتی به شما میگویند وضع شان، یعنی درجه رفاه و میزان قدرت خرید، برخوردار از این بهداشت عمومی و تامین اجتماعی و امکان لذت بردن از زندگی و وقت آزادشان در سال مثلا ۱۹۸۳ به مراتب بهتر از سال ۲۰۰۳ بود. و به نظر میرسد که این تنزل و سقوط سطح معیشت کارگران در غرب بهیچ وجه رو به بهبود ندارد و اوضاع هر روز دارد بلنتر میشود.

— باید دقت کرد که در تعیین وضعیت معیشتی طبقه کارگر و همچنین خواستها و مطالبات او همیشه یک عامل ذهنی و تاریخی عمل میکند. برای مثال در همین نقل بالا کارگر کانادایی گرچه وضع بهتری از کارگر ایرانی دارد اما موقعیت خودش را بدست با بهترین حالتی که به حق می آورد می سنجد و نه با کارگر بی حقوق و شدیدا تحت استثمار ایران و یا بنتر، کارگر قرن نوزدهمی.

— به نظر من مانیفیست دارد از یک تمایل و گرایش ذاتی سرمایه داری صحبت میکند که دائما کارگر را به موقعیت برده ای که حتی قدرت بقاء ندارد سوق میدهد. اما این یک تمایل و گرایش است که همواره عواملی علیه آن عمل میکنند. در دنیای واقع این تمایل با مقاومت و مبارزه کارگران روبرو بوده و تعدیل شده است. (گرچه از بین نرفته و نمی رود.) همین مبارزه حتی چهره سرمایه داری را تغییر داده است. در تمام طول قرن بیستم از انقلاب اکتبر گرفته تا مبارزات کارگران در سراسر جهان و بویژه بعد از جنگ جهانی

موضوع میتواند متفاوت باشد. برخی بنگاه و بیزنس خود (مطب) را دایر میکنند و برخی از آنها خودشان بعنوان صاحب بیمارستان و سرمایه دار ظاهر میشوند. به نظر من تمام آن کسانی که از راه فروش نیروی کارشان (چه یلی و چه فکری) به سرمایه امرار معاش میکنند و در استثمار دیگران شرکت ندارند جزو طبقه کارگرند. در کل، در این حقیقت که جوامع امروز بسیار بیشتر از گذشته به دو طبقه اصلی پرولتاریا و بورژوازی تقسیم شده اند، جای تردیدی نیست و با چشم غیر مسلح هم میشود آزا دید! آنچه که باید به آن توجه کرد و توضیح دقیقتری از آن داد اقتضای مختلف طبقه کارگر، جایگاه اقتصادی و وزن و موقعیت شان در مبارزه علیه سرمایه داری است. برای مثال وزن کارگران بخش خدمات امروز چندین بار بیشتر از سرمایه داری قرن نوزده است. (برای شروع مطالعه در این زمینه به نوشته منصور حکمت: «مارکس: در باره کار مولد و غیر مولد») و ترجمه او از بحث مارکس در باره کار مولد و غیر مولد، بسوی سوسیالیسم دوره دوم شماره ۲ رجوع کنید.

اما اهمیت سیاسی این موضوع چیست؟ در این زمینه فعلا وارد بحث نمی شوم و شما را به بخش کوچکی از «تفاوت های ما» اثر منصور حکمت که در این شماره چاپ میکنیم، رجوع میدهم.

۳. سوسیالیسم: اقتصاد و سیاست

رها جان لطفا دقت کن آن اقدامات اقتصادی که در مانیفیست آمده است، بگفته خود مارکس و انگلس در مقدمه های بعلی، «دیگر کهنه شده» و باید عوض شود. کلا فکر میکنم در دوره ما کمونیست ها در اغلب کشورهای جهان (و از جمله در ایران) باید بکوشند از همان ابتدا و مستقیما و البته در چهارچوب امکانات به اصل برنامه اقتصادی خود یعنی نابودی بردگی مزدی بپردازند. در مورد محتوای اقتصادی سوسیالیسم یک اثر بسیار خواندنی «نقد برنامه گوتا» اثر مارکس است. بازخوانی کاپیتال مارکس از منصور حکمت هم بسیار جالب است. همینطور برنامه (یک دنیای بهتر) بنظر من بطور روشنتری کل مساله اقتصاد و سیاست جامعه سوسیالیستی را بیان میدارد. ولی در مورد سیاست و شکل دولت در جامعه آینده و کلا دیدگاه مارکسیستی در باره دولت، کتاب «دولت و انقلاب» لنین، که نقل قولهای مستقیم و طولانی از مارکس و انگلس دارد، یک اثر کلاسیک بی رقیب محسوب میشود که هر کمونیستی باید بخواند. مقاله بسیار جالب و مهم منصور حکمت، «دولت در دوره های انقلابی» در افزوده او به تئوری مارکسیستی دولت و پاسخ به سوالات جلی است که شرایط پیچیده دوره های انقلابی مطرح میکنند.

۴. چه وقت نوبت ما فرا میرسد؟

و بالاخره سوال آخر شما. خوب است آن (بسیاری کشورهای جهان سوم که نمی توان سرافنی از حاکمیت بورژوازی) در آنها گرفت را نام ببرید. اصلا خود اصطلاح «جهان سوم» و «کشورهای توسعه نیافته» در بطن خود سرمایه داری بودن این کشورها را مفروض دارد. «جهان سوم» فئودالی و ماقبل سرمایه داری نیست، بلکه سرمایه داری است. حال موصوف به

بازهم سوال دارم رها صفایی

آقای صابر شما در نشریه شماره ۱۰۶ جوانان کمونیست به سوالات من پاسخ دادید. در جواب یکی از سوالاتم گفته بودید که خواندن مانیفیست کمونیست برای هر کمونیست لازم است. مانیفیست را از کتابخانه گروه جوانان کمونیست در یاهو تهیه کردم و خواندم. همینطور اصول کمونیسم (اثر انگلس) را هم که پیشنهاد خانم امیدوار در گروه بود را خواندم. هر دو اینها دیدم را نسبت به کمونیسم به مراتب بازتر از قبل کرد. برای همین قبل از طرح سوالاتم در مورد این دو کتاب هم از شما و هم از سیمیا امیدوار تشکر میکنم.

۱. در مانیفیست آمده است: «برای آنکه بتوان طبقه ای را در معرض جور و ستم قرار داد لازم است شرایطی را تامین نمود که طبقه آن طبقه ستمکش لاقبل بتواند برده وار زندگی کند... کارگر معاصر بجای آنکه با ترقی صنایع راه ترقی را طی کند پیوسته به وضعی نازل تر از شرایط زندگی طبقه خویش نزول میکند... و بدینسان آشکار میگردد که سرمایه داری قادر نیست بیش از این طبقه حکمروای جامعه باقی بماند...» در عین حال مانیفیست یادآوری میکند: «... کارگران در آغاز بر ضد سرمایه داری دست به اتلاف میزنند و برای دفاع از مزد کار خود مشترکا عمل مینمایند... گاه گاه کارگران پیوز می شوند ولی این پیروزیها تنها پیروزی های گذرنده است...»

بر اساس دیدی که مارکس و انگلس برای بررسی وضعیت کارگران به ما ارائه میدهند وضعیت معیشتی طبقه کارگر معاصر باید به مراتب بلتر از وضع معیشتی کارگر در قرن نوزده باشد و یا وضع معیشتی کارگران در ایران بسیار بهتر از وضع معیشتی کارگران در کشورهای توسعه یافته مانند انگلستان و فرانسه باشد. اما به نظر این طور می آید که در حال حاضر وضعیت کارگران در کشورهای صنعتی توسعه یافته و دمکراتیک (از طریق اتحادیه ها) بسیار بهتر از قبل شده است. در صورت درست بودن این ادعا من فکر میکنم که نه تنها نارضایتی کارگران در حال افزایش نیست بلکه به مراتب کمتر از گذشته شده است.

۲. انگلس (در اصول کمونیسم) معتقد است که تمامی طبقات مختلف جامعه به تدریج در دو طبقه پرولتاریا و بورژوازی حل خواهند شد. نحوه روی دادن

«توسعه نیافته»، «عقب مانده» و غیره. ولی اگر جایی سرمایه داری رشد کچ و معوی داشته، این با مصالح سیاسی و اقتصادی سرمایه و ضرورت های ناشی از تقسیم کار در سیستم جهانی سرمایه داری قابل توضیح است، نه مثلا با جانشختی و مقاومت فئودالیسم و یا پرتری روابط قبلیه ای عشریه ای! حتی عقب مانده ترین کشورهای جهان نیز تابعی از بازار جهانی و مناسبات جهانی بردگی مزدی اند. البته ممکن است در این یا آن گوشه جهان هنوز جایی برای تحولات بورژوازی پیدا کرد، اما بعنوان یک اصل جهانشمول اگر تحولی قرار است به نفع بشر صورت بگیرد دیگر سرمایه داری و بورژوازی پرچمدان آن نیست.

این پروسه و علت آن را درک نمی کنم. در مانیفیست چگونگی داخل شدن اصناف، دهقانان و پیشه وران و صاحبان صنایع کوچک (خرده بورژواها) به طبقه پرولتاریا توضیح داده شده است. اما هیچ صحبتی از اشتاری که با سرمایه های ذهنی خود امرار معاش میکنند (مانند معلم ها، پزشکها، کارمندان و...) نیست. اینها وارد کدام یک از این تقسیم بنی های طبقه اند خواهند شد و چگونه؟ (لظفا اضافه کنید که این افراد در حال حاضر تحت عنوان چه طبقه ای شناخته میشوند؟)

۳. ساختار اقتصادی جامعه ای که نتیجه یک انقلاب کمونیستی است و برنامه های اقتصادی کمونیستها برای اداره آن جامعه در لیست وظایف اقتصادی دولت پرولتری در دو کتاب مانیفیست و اصول کمونیسم آمده است. اما من هنوز نتوانستم مطلب دقیقی در رابطه با سیستم سیاسی که باید جامعه کمونیستی را اداره کند در این دو کتاب پیدا کنم. لطفا کتابی را به من معرفی کنید که تصویر جامعتری از یک دولت پرولتری ارائه دهد.

۴. شما در پاسخ به یکی از سوالات من در شماره ۱۰۶ در زیر عنوان (سوسیالیسم و جبر تاریخ) گفته بودید که نظریات جبرگرایانه به اینجا منجر خواهد شد: «برای اینکه سوسیالیسم منتحقق شود باید سرمایه داری را رشد داد! هر چه سرمایه داری بیشتر شد کند سوسیالیسم نزدیکتر خواهد شد. پس فعلا تا اطلاع ثانوی زنده باد سرمایه داری!» آقای صابر، مارکس و انگلس معتقد هستند که یکی از دلایلی که ما امروز میتوانیم در برخی کشورهای صنعتی جهان صحبت از تحقق سوسیالیسم بکنیم قدرت گرفتن بورژوازی در این کشورهاست. چرا که تنها در این شرایط است که با افزایش قوای تولید و افزایش ظرفیت انقلابی پرولترها میتوان به پیروزی انقلاب کمونیستی امیدوار بود. حتی انگلس در کتاب اصول کمونیسم عنوان میکند که در شرایط آن زمان در کشوری مانند آلمان باید از بورژوازی برای در دست گرفتن قدرت حمایت میشد. پس از ایجاد شرایط مطلوب توسط خود بورژوازی به مبارزه دامن زده می شد. من فکر میکنم حتی امروز هم در بسیاری کشورهای جهان سوم نمی توان سرافنی از حاکمیت بورژوازی در جامعه گرفت. آیا طرفداران ایجاد یک جامعه سوسیالیستی در این کشورهای نباید بگویند «تا اطلاع ثانوی زنده باد سرمایه داری»؟

خیلی ممنون از وقتی که به من اختصاص دادید. رها صفایی.

سوسیالیسم و جنبش رهایی بخش پرولتاریا تنها میتواند راهی به جلو نشان دهد. اینکه زمانی بورژوازی نقش انقلابی در تاریخ ایفا کرد و دوره جدیدی را در تاریخ بشر آغاز کرد، حق مطلب را بهتر از هرکسی مانیفیست ادا کرده است. اما وقتی مناسباتی تاریخا بوجود آمد و مستقر شد دیگر بلافاصله ما با شرایط نوینی روبرو هستیم که مهر خود را بر همه چیز میکوبد. همان مانیفیست در ۱۸۵ سال پیش وقتی که هنوز بخش اعظم جهان سرمایه داری نبود این عصر نوین را تشخیص داد و نشان داد که اکنون رهایی بشریت در گرو اینست: «کارگران جهان متحد شوید!». نه صفحه ۶

کمونیسم و کمیت کارگران

منصور حکمت

«تفاوت های ما» یکی از آثار مهم منصور حکمت است که درست در گرماگر نعره بورژوازی جهانی که «کمونیسم مرد» منتشر شد. در این کتاب منصور حکمت جبهه های اصلی نبرد کمونیسم کارگری را بر میشمرد خطوط اصلی تفاوت های این کمونیسم را با انواع سوسیالیسم های بورژوازی و کمونیستی را بر میشمرد و به سؤالاتی که همانوقت و عمدتاً از مواضع همین سوسیالیسم های غیر کارگری طرح میشد، پاسخ میگوید. از جمله در قطعه زیر حکمت به این سوال که گویا طبقه کارگر دیگر اکثریت نیست و گویا کمونیسم پایه مادی اش را از دست داده و یا تضعیف شده میردازد. (جوانان کمونیست)

تفاوت های ما گفتگو با منصور حکمت درباره کمونیسم کارگری

پسوی سوسیالیسم شماره چهارم دوره دوم آبان ماه ۱۳۶۸

پسوی سوسیالیسم: برچه ای که

شما خصصت طبقاتی ویژه کمونیسم را تاکید میکنید، یعنی این واقعیت را که کمونیسم جنبش اعتراض ضد سرمایه داری کارگر است، بهمان درجه یک ایراد قدیمی که علیه کمونیست ها بطور کلی مطرح میشد بطور برجسته تری در برابر شما قرار میگیرد، و آن مساله وزنه اقتصادی و کمی کارگر در سرمایه داری معاصر است. گفته میشود که با رشد تکنیک، یا انقلاب تکنیکی، کارگر بعنوان یک طبقه دیگر از نظر کمی آن نیروئی نیست که مارکس از آن صحبت میکند. اکثریت جامعه را تشکیل نمیدهد، و آترناتیو کمونیستی بزعم اینها زمینه خود را از دست میدهد. این تبیین برای مثال در اروپا در میان احزاب به اصطلاح کمونیست، اوروکمونیستها، و آن غیره تقریباً عمومیت پیدا کرده. این احزاب، لاقول در تنوری، به سوی وسعت دادن و تنوع بخشیدن به پایه اجتماعی خود رفته اند. این عکس حرکتی است که شما میکنید. خیلی ساده ممکن است بشما بگویند که کمونیسم کارگری شما عاقبت روشنی نخواهد داشت زیرا کارگر بعنوان یک طبقه موقعیت اقتصادی و وزنه کمی پیشین را ندارد. در این مورد چه فکر میکنید؟

منصور حکمت: این بنظر من انتقاد

خیلی مفیدی است چون امکان میدهد تفاوتها و مرزبندی های جدی ما با سوسیالیسم و کمونیسم تاکنون موجود و با همین نوع چپ ها کاملاً روشن بشود. اینکه وزنه کمی، اقتصادی و سیاسی کارگر در جامعه موجود چیست و مثلاً در مقایسه با زمان انتشار کتاب سرمایه یا وقوع انقلاب روسیه یا بعد از جنگ دوم و غیره چه تفاوتهایی کرده است، یک مساله عینی و قابل

طبقه برای سازماندهی جامعه بشری تغییر نمیکند. کارگر باز هم مجبور است هرروز کارش را بفروشد تا زندگی کند و لذا هنوز از همان درپچه به دنیا نگاه میکند و همان راه حل را برایش دارد. کمونیسم یک ایده و یک نسخه اقتصادی و اجتماعی نیست که گویا مارکس گشته و از میان طبقات مختلف طبقه کارگر را برای عملی کردن آن انتخاب کرده، تا امروز سوسیالیست ما با تصور اینکه حالا تعداد کارگران کم شده یا دیگر اکثریت نیستند برای تحققش دنبال عامل اجرایی جدید بگردد. یا اصلاً از خیرش بگذرد و سراغ این را بگیرد که حالا اقتشار اکثریت چه نظامی میخواند و به آن امر بپیوندد.

سوسیالیسم تاجی نیست که بتوان روی سر هر قشر و طبقه ای گذاشت. امر کارگر است بعنوان یک طبقه اجتماعی معین. کمونیسم جنبش کارگر است برای نابودی سرمایه داری، لغو کار مزدی و امحاء استثمار و طبقات. مارکس هیچ جا حقانیت کمونیسم را از ایده اکثریت داشتن کارگران استنتاج نکرده. دوره خودش که پروتاریا بهیچوجه اکثریت نبود. برای کمونیسم حقانیت کارگر و مشروعیت و الزام انقلاب کارگری از هیچ مقوله ای نظیر دموکراسی و اکثریت بودن زحمتکشانش استنتاج نشده است. کارگر و دشمنی اش با سرمایه نقطه شروع بحث است. مگر مبارزه برای برابری زن و مرد از کثرت زنان استنتاج شده یا مشروعیت خود را از اینجا میگیرد؟ مگر سیاهان اکثریت هستند؟ آیا هیچ فعال جنبش حقوق زنان یا برابری نژادی با نشان دادن آمار درصد زنان یا رنگین پوستان تغییری در امر و در مبارزه اش داده میشود؟ چرا کمونیسم بعنوان جنبش اعتراض کارگری باید جز این باشد؟ واقعیت اینست که در حالی که زنان یا اقلیت های نژادی معلوم است که اعتراضشان ریشه در موقعیت عینی و داده شده آنها در جامعه دارد، جنبش به اصطلاح کمونیستی و سوسیالیستی موجود چنین ربط عینی را با کارگر بعنوان یک موجودیت اجتماعی معلوم نمیتواند نشان بدهد. اگر کمونیسم موجود واقعا اعتراض کارگری را نمایندگی میکند آنوقت این ایراد همانقدر مسخره بنظر میرسد که وقتی که مثال زنان را میزنیم. آنوقت چنین مساله و نظریه ای کلا در چهارچوب سنت فکری کمونیسم مطرح نمیشد. اما کمونیسم عصر ما در واقع در همان موقعیت سوسیالیسم اتوییک دوره مارکس قرار گرفته است. مجموعه ای از ایده ها و مدل ها که باید توسط افشار اجتماعی پیاده شود. کمونیسم به اسم رمز احزاب غیر کارگری اصلاح طلبی تبدیل شده که برای تحقق برنامه خود به نیروی کارگران نیاز داشته اند. حالا اگر کسی تذکر بدهد که کارگران آن نیروی سابق نیستند و یا کلا تنوری مارکسیسم در اهمیت اجتماعی کارگران غلو کرده است، آنوقت این جریانها به اصطلاح کمونیست طبعاً باید بساط خود را جای دیگری پهن کنند: در میان خلق های تحت ستم، دانشجویان، دهقانان و غیره. این اتفاقی است که تاکنون افتاده. اما کارگر با موقعیت عینی اش، با اعتراضش به نظام مزدبگیری

و مالکیت خصوصی، با راه حل واقعی اش برای بشریت سرچای خودش ایستاده و نمیتواند جز با کمونیسم به نظام موجود اعتراض کند. ما فعال این جنبش هستیم. این جنبش و فقط این جنبش پاسخ ما به اوضاع موجود است. فلان استاد دانشگاه سابقاً کمونیست میتواند از فردا «سبز»، سوسیال دموکرات، ناسیونالیست، یا اصلاً عارف بشود. طبقه کارگر نمیتواند.

ممکن است گفته شود که شما اعتراض کمونیستی و طبقاتی تان را بکنید اما با تغییر وزنه کذائی کارگران در اقتصاد و جامعه پیروزی تان غیر ممکن شده و یا مشروعیت انقلابتان از نقطه نظر اکثریت جامعه زیر سوال میرود. پاسخ من، صرفنظر از اینکه این را یک رجز خوانی توخالی سرمایه علیه کارگر میدانم، اینست که برای پیروزی لازم نیست کارگر اکثریت باشد، چون مکانیسم این پیروزی یک رفتارند در یک روز آفتابی نیست. جامعه دستخوش بحران و انقلاب میشود. این قانون اساسی جهان سرمایه داری است. در متن این دوره انقلابی صفتی اجتماعی حول راه حل ها و پرچم های طبقات اصلی جامعه، کارگر و سرمایه دار، شکل میگیرد. کارگر، ستون فقرات تولید در جامعه موجود، بعنوان رهبر جامعه نوین، بعنوان آن طبقه اجتماعی که راهی واقعی برای خاتمه دادن به مصائب بشریت بطور کلی دارد به پیروزی میرسد. خود بورژوازی جز با این روش به قدرت نرسیده است. بدون اینکه هیچگاه از نظر کمی از یک اقلیت بسیار ناچیز در جامعه فراتر رفته باشد. و جالب است که کسانی امروز مشروعیت انقلاب کارگری را از زاویه درصد کمی طبقات در کل جمعیت به زیر سوال میبرند که همین امروز مشروعیت حکومت یک اقلیت بسیار کوچک، بورژوازی، را پذیرفته اند. قدرت طبقه کارگر فقط در کمیت آن نهفته نیست. این قدرت اساساً در موقعیت این طبقه در تولید سرمایه داری و در عینیت و حقیقت راه حلی است که کارگر در برابر جامعه بطور کلی قرار میدهد. ممکن است روزی برسد که کارمندان دولتی و خصوصی اکثریت مردم را تشکیل بدهند، همانطور که دهقانان در دوره هائی در طول تاریخ چنین بوده اند. اما جلال اجتماعی ای که تکلیف همین اکثریت فرضی را هم روشن میکند جلال بین طبقات اجتماعی اصلی در جامعه، یعنی طبقاتی که تولید در جامعه موجود این موقعیت را به آنها داده است، و میان افق ها و آترناتیوهای آنهاست. جامعه بورژوازی تا همینجا بن بست همه جانبه خود و تناقضش را با سعادت و حرمت انسان نشان داده. کمونیسم کارگری جواب این بن بست را دارد.

بهرحال دوره قدرتمنائی کارگر در صحنه سیاسی بار دیگر دارد شروع میشود و اینبار بنظر من بویژه در مهد سرمایه داری و در مرکز همان جوامعی که گویا وزنه کارگر در آنها کم شده. فکر میکنم واقعیات چند سال آینده بهتر از هر استدلالی قدرت واقعی کارگر را حالی سوسیالیست های سابق و احزاب جدیدشان بکند.

از صفحه ۵ در پاسخ به رها

قطط حالا، بلکه اگر در زمان مانیفست هم (طرفداران جامعه سوسیالیستی) در جایی میبگفتند «تا اطلاع ثانوی زنده باد سرمایه داری»، حتماً یک جای کارشان ایراد میباشست. «تا اطلاع ثانوی زنده باد سرمایه داری» هیچوقت شعار کمونیستها نبوده و نمی توانسته باشد. حتی آنجا که کمونیستها چنان ضعیف بودند که مجبور بودند از بورژوازی انقلابی در مقابل فنودالیسم و ارتجاع و استبداد حمایت کنند، آنی فراموش نمی کردند که بگویند به مجرد آنکه به انداز کافی نیرو بدست آوریم، سرمایه دار را به سرنوختن خواهیم کرد.

این ما را به یک سوال پایه ای میرساند: چه وقت یک جامعه ای برای انقلاب سوسیالیستی آماده است؟ کی بالاخره نوبت ما فرا میرسد؟ پاسخ این سوال در این نیست که تعداد دود کش کارخانه ها و طول خط آهن و دودک های نخریسی را بشماریم. پاسخ این سوال سیاسی است. هر وقت که طبقه کارگر از لحاظ سیاسی چنان آمادگی داشته باشد که بتواند در راس میلیونها به انقلاب علیه اوضاع موجود دست بزند آنوقت وقت انقلاب سوسیالیستی است. برای همین انقلاب اکتر به رهبری لنین یک تلاش شورانگیز پروتاریا برای رهایی بود که علیرغم شکستش چهره جهان را تغییر داد. برای همین است که ما در لحظه حاضر افق یک انقلاب سوسیالیستی در ایران را نزدیک تر از مثلاً انگلیس یا آمریکایی می دانیم که در آن سرمایه داری و پروتاریا از خیلی جهات بسیار پیشرفته تر از ایران است. معادله «رشد بورژوازی میدهد رشد کمی پروتاریا» این مساوی با انقلاب سوسیالیستی است. یک معادله غلط و یک نظریه ارتجاعی است. این هسته اصلی نظریات جبرگرایانه و تکامل گرایانه است. در این نظریه، تاریخ حرکتی مکانیکی دارد و نقش پراتیک آگاهانه انسانها، نقش حزب و تشکل و مبارزه سیاسی طبقه کارگر دستکم و حتی نادیده گرفته شده است. طبق این نظریه اکنون که در آمریکا و فرانسه و ژاپن و سایر کشورهای پیشرفته سرمایه داری انقلاب سوسیالیستی نشده پس در ایران و کره و ترکیه کمتر توسعه یافته به طریق اولی نمی شود انقلاب سوسیالیستی کرد! طبق این نظریه حتی در همان آمریکا و انگلیس هم باید حالا حالا ها گت زنده باد سرمایه داری تا خدای «جبر تاریخ» و امام زمان «رشد نیروهای مولده»، یک وقتی رضایت بدهند که خب دیگر حالا وقتش است و میشود انقلاب سوسیالیستی کرد. یعنی عملاً هیچوقت!

رها جان پیشنهاد میکنم اکنون بعد از مانیفست و اصول کمونیسم، به مطالعه دقیق و مشکافانه «یک دنیای بهتر» منصور حکمت بپرداز. «یک دنیای بهتر» نه فقط خط و جهت و حتی زبان مانیفست را دنبال میکند بلکه فشرده تجارب و دستاوردهای نظری و عملی بیش از ۱۵۵ سال مبارزه کمونیستی و کارگری بعد از مانیفست را منعکس میکند. در یک کلمه مانیفست زمان ما است! برایت آرزوی پیروزی دارم.

نامه های شما

رفیق اوستا کرمانشاه کاپیتال را شروع کردم!

«سلام آقای صابر. مرسی از جوابتون. (اشاره به شماره قبل در باره اقتصادیات سوسیالیستی) کتاب کاپیتال رو یک هفته میشه که شروع کرده ام ولی درک و فهمش مشکله و خوندنش به کندی پیش میره. بازمرسی از این همه توجه که به ما جوونا دارین. وقتون به خیر.»

رفیق اوستای عزیز. چه خوب که شما کاپیتال را شروع کرده اید. اگر به نوار سمینار منصور حکمت (باز خوانی کاپیتال) گوش کنید قطعه به درک بهتر کاپیتال خیلی کمک میکند. هرچند همانجا منصور حکمت بارها تاکید میکند که باید کاپیتال را مستقیما خواند. در مورد دشواری کاپیتال خود مارکس در یکی از مقدمه ها میگوید که «هر آغازی دشوار است» و اشاره به فصول اول و بویژه فصل کالا دارد. این فصل را که خوب درک کنید قطعا سرعت خواندن فصل های بعدی کاپیتال بیشتر میشود. بهر حال بسیار ضروری است که بطور جدی و سیستماتیک مارکسیسم را و بویژه کاپیتال را مطالعه کرد.

مسعود از ارومیه (یک خبر خوب!)

در نامه ای به اسد گلچینی: «سلام. خبر خوب: خیابانی در ارومیه بنام امام جعفر ارومیه است (حسنی). تا بحال چندین بار توسط مردم این تابلو با نجاست رنگ شده است. قربانت، مسعود.»

بابک شدیدتری که اعتصاب سراسر معلمان

«رفقا سلام، امروز (یکشنبه) طی تماسی تلفنی یکی از دوستان تماس گرفت و از اعتصاب سراسری معلمان در اصفهان و تهران خبر داد. گفت مدارس کلا امروز تعطیل بود. یادآور شد وقتی امروز دخترکم به مدرسه راهنمایی خود مراجعه کرده به او گفته اند که امروز مدارس تعطیل است.»

فرزان دانش ایران محمد خدا را خلق کرد

«با سلام و خسته نباشید به رفیق مصطفی. میخواستم از راهنمایی که کردید تشکر کنم و اضافه کنم که اینروز یکی از مسائل مهم بسیاری از جوانان مساله خدا و مذهب است که آنها را کمونیست گریز کرده. (و جمله کمونیستها حرفهای خوبی میزنن ولی حیف که خدا را قبول ندارن بیانگر آنست). متأسفانه اکثریت افراد معتقد به خدا و اسلام بدقت قرآن را مطالعه نکرده اند، فقط بطور جسته

و گریخته با بعضی آیات آن برخورد داشته اند. در قرآن آیات بسیاری وجود دارد که اثبات میکند این نوشته ها زاییده افکار محمد بوده و این محمد است که خدا را خلق کرده و خدایی که توصیف کرده وجود خارجی ندارد. من با قرآن آشنایی دارم و بسیاری از نقاط ضعف آنرا میشناسم. میخواستم که اگر موافق باشید این مطلب را بصورت خیلی خلاصه در اختیارتان قرار دهم تا جوانان معتقد تکلیف خودشان را با خودشان روشن کنند. لازم به ذکر است که زحمات شما برای پیروزی سوسیالیسم قابل تقدیر است. به امید پیروزی.»

فرزان عزیز، خیلی ممنون از نامه ات و حتما بیشتر در باره قرآن و افشای خدا و مذهب بنویس. اما به نظر من جوانها («کمونیست گریز») نیستند. بی تردید خیلی تبلیغات علیه کمونیسم و کمونیستها وجود دارد ولی علیرغم این جوانها وقتی مطالبات و خواستههای خود را مطرح میکنند در کنار کمونیستها قرار میگیرند. عبارتی که شما نقل کرده اید شاهد همین مدعا است: «کمونیستها حرفهای خوبی میزنند». البته در جامعه ایران هنوز ناباوری به کمونیسم وجود دارد. ولی علت آنهم خدا نیست. جامعه ایران شاید ضد مذهب ترین و ضد خدا ترین جوامع موجود باشد. علت ناباوری به کمونیسم مسائل واقعی است. موانع واقعی (مثلا مخالفت آمریکا) بر سر راه پیروزی کمونیسم وجود دارد. در این مورد منصور حکمت در سخنرانی مشهورش (آیا کمونیسم در ایران پیروز میشود؟) ارزیابی واقعی از این موانع و راه های واقعی فائق آمدن بر آن ها را ارائه داده است. ما باید به مردم نشان دهیم که کمونیسم (یعنی قدرت متحد و متشکل کارگران و مردم برای ساختن دنیایی آزاد و برابر) یک نیروی واقعی و قدرتمند و تنها شانس نجات جامعه ایران است.

عیسی از تهران

من با این مردم زندگی میکنم
«سلام بهرام جان من متأسفانه هیچ خبری از اعتصاب (۶ مهرماه) نشنیدم. زمان میخواد ولی مطمئن هستم که به زودی این رژیم از بین خواهد رفت. چون ملت ایران دیگه به اینها اطمینان ندارد. من الان با این مردم زندگی میکنم میدونم ملت از دولت متفرقه فقط یک جرقه میخواد که این مردم به خیابانها بریزند. بزودی این جرقه زده خواهد شد... به مصطفی هم سلام برسونید.»

آرش سرخ تهران باهم جواب میدم

«مصطفی جان. دست شما درد نکنه انشاء الله ۱۰۸ و ۱۰۹ رو باهم جواب میدم! (اشاره به بحث هایی است که در دو شماره گذشته با آرش داشتیم). در ضمن یک خبر جالب بهتون بدم. تو ایران سی دی بین جوونا هست که همه آثار منصور

حکمت (آدیو و متن، آن آهنگی که خونده و یک ویدئو کوچولو) به علاوه آثار پیشماری از مارکس و لنین توی آن سی دی هست. این سی دی هم جا دست به دست میشه و خیلی ها بوسیله اون منصور حکمت رو شناختن. اما جالبه بدونین برای اینکه این سی دی پر بشه و هیچ فضای خالی نداشته باشه، چند قطعه از شاملو توی اون ضبط کردن. ملاحظه میکنید که شما بخواید و نخواهید نام شاملو با همه آزادیخواهان و کمونیستها، حتی خود شما پیوند خورده و شما باز هم چه بخواید و چه نخواهید باید ببینید که حتی مبارزان خود شما، دانشجویان و کسانی که در راه آزادی تلاش میکنن، شعر شاملو بر لب به مصاف گلوله میرن. لطفا این قطعه رو در ۱۱۰ چاپ کنین. قربان شما و همه زحمات آزادیخواهانه تان! همیشه کمونیست باشید.»

آرش جان. مدسی از اینکه میخوای جواب بدی. یک نکته را شاید تو در این چند خط که نوشتی منظوری نداشته باشی ولی من حساسیت دارم و میخوام مورد تاکید قرار بدم. ما هیچ جا و هیچ وقت کسی را تشویق نمیکنیم که شعر بر لب و یا سرود بر لب به مصاف گلوله برود. البته مبارزه مشکلات و متأسفانه گاه تلفات هم دارد. تمام تلاش ما اینست که این تلفات را به حداقل ممکن برسانیم. ما کشته شدن را تشویق و تصدیق نمیکنیم. اینگونه تلقیات و تقدیس چریکی و مذهبی مبارزه در چپ ایران سابقه دارد و راستش در محتوا فرقی هم با فرهنگ شهادت شیعه سرخ علوی ندارد. فرهنگ ما در مبارزه فرهنگ طبقه کارگر است. ما میخوایم انسانها بیشترین طول عمر و سعادت را داشته باشند و قرار نیست این در آینده دوری اتفاق بیفتد. همین امروز هم ما در جریان حاد ترین مبارزات و حتی اگر ناگزیر بشویم در دل جنگ رودر رو با جمهوری اسلامی و بورژوازی همان فرهنگ و همان دید به انسانها را دنبال میکنم. امیدوارم که با این جملات در نقش کسی که از هر جمله ایراد میگيره ظاهر نشده باشم. در مورد گذاشتن شعر شاملو در سی دی مارکس و حکمت و لنین، من فکر نمیکنم ایرادی داشته باشد. شخصا این کار را نمیکنم و اگر فضای خالی در سی دی وجود داشت چندتا آهنگ باحال و تاپ غربی با شعرهای بسیار انسانی میگذاشتم. فکر میکردم با این کار مخاطب وسیعتر و دقیقتری را برای مارکس و لنین و حکمت جمع میکردم. شاملو مخاطب معین و محدودی دارد. بهر حال تاکید میکنم من ایرادی به این کار نمیبینم و خیلی هم خوشحالم که این سی دی دارد دست به دست میشود. در مورد اینکه ما با شاملو تداعی بشویم، راستش ما کلا داریم با چپ و کمونیسم در ایران تداعی میشویم. به نظر طبیعی است عناصر مترقی و کمونیست چپ سنتی رفته رفته به

سوی ما جلب شوند. طبعاً آنها فرهنگ خودشان را نیز با خود می آورند. علاوه ما یک جنبش اجتماعی وسیع هستیم (منظور کمونیسم کارگری است) که سایه روشنهای خودش را دارد. به نظر من نمی شود و نباید حزب و حتی سیاست را مستقیماً به شعر و هنر ربط داد. خیلی وقتها میشود از شاملو یا حافظ و گوته و شکسپیر و باب دیلن شعری را نقل کرد و از درک و دریافت آنها برای توضیح مساله ای کمک گرفت. اینها بی تردید انسانهای برجسته ای بوده و هستند که چیزهای زیادی را از زندگی کشف کرده و بیان کرده اند. با همه این اوصاف من شاملو را جزو جنبش خودمان (جنبشی که میخواد بردگی مزدی را براندازد و همین امروز میخواد این کار را بکند) نمی دانم. همچنانکه بارها گفته ایم شاملو بهترین و انسانی ترین شاعر یک جنبش وسیع اپوزیسیون تاریخ معاصر ایران است که از فدایی تا مجاهد از از حزب توده تا جبهه ملی را در برمیگرفته. شاملو جناح چپ و انسانی این جنبش را نمایندگی میکند. اما کل این جنبش چیزی بیشتر از بردگی ما (یعنی سرمایه داری را) وعده نمی دهد و نمی خواهد متحقق کند. آرش جان مایلیم نظرات تو را در مورد جنبش های سیاسی و اجتماعی در ایران که دو سه شماره است در باره آن صحبت میکنیم، بدانم.

آرام از مرویان هرگ یک سرباز

آرام طی نامه ای به بهرام مدرسی خبر از کشته شدن یک سرباز در درگیری هایی در شمال داده است. آرام عزیز امیدواریم مشکلات کامپیوتر پیش نیاید و شما مرتباً تماس داشته باشید. مشتاق شنیدن نظرات خودتان و دوستان دوربری در مورد فعالیت های سازمان جوانان و جوانان کمونیست هستیم.

حامد راد تهران تسلیمت به اهام زمان

بعنوان طنز نسخه ای از «روزنامه جمهوری اسلامی» را انتشار داده اند، که پر از مطالب فکاهی از زبان سران جمهوری اسلامی و در افشای آنهاست. از جمله در بالای سربرگ «جمهوری اسلامی» جایی که معمولاً می آید، نوشته شده است: «چند روز گذشته یکی از طعمه های ما توسط حزب کمونیست کارگری نجات یافت. ما این فاجعه را به درگاه اجات زمان تسلیمت میگوییم.» اشاره حامد به آزادی آمنة لاولا از حکم سنگسار است.

اس. زد. از اهواز ایدئولوژی آلمانی از کجا؟

«با سلام و خسته نباشید! اول از همه چیز از شما برای راه نشان دادن و مهر و محبت داشتن نسبت به همه متشکرم. دو سوال دارم اگر وقت دارید لطفاً جواب بدهید. ۱. بر روی

سایت ها (ایدئولوژی آلمانی) نیست. آیا منظور همون «لودویک فورتباخ» میباشد؟ اگر نباشد از کجا میتوانم گیر بیاورم؟ ۲. اگر خط تلفن و یا آی اس پی تحت کنترل پلیس باشد راه برای سلامت بردن ئی میل از دست پلیس چه می باشد؟»

اس. زد. عزیز، از لطفت ممنون. «لودویک فوئر باخ و پایان فلسفه کلاسیک آلمانی» کتاب خوب انگلس است که حتماً بخوانید، اما ایدئولوژی آلمانی متفاوت است. تا آنجا که من میدانم چند ترجمه فارسی از ایدئولوژی آلمانی شده است. اینکه روی سایتها باشند اطلاع ندارم و از خوانندگان عزیز میخوام هرکس سراغ دارد به ما اطلاع دهد. اما اگر میتوانید انگلیسی بخوانید، حتماً آنرا به انگلیسی مطالعه کنید. در مورد سوال دوم تان موضوع را با دوست عزیزمان «نرسی یگانه» در میان گذاشتیم. او ابتدا دستورالعمل تکمیلی در مورد چگونه رمز کردن یک ئی میل بریامن فرستاد. و بعد از او خواستیم که راههای ساده تری ارائه دهد. او چنین پاسخ داد: «مصطفی جان این رفیق پرسیده بود که چطور ئی میل بزنم که پلیس نتواند آنرا بخواند. خوب جوابش همان بود که نوشتم. راه ساده اش هم استفاده از hushmail.com است. (این سرویسی است که امکان رمز کردن ئی میل را در اختیار شما قرار میدهد). اگر آن رفیق میخواد گیر نیفتد خوب از کافه نت بفرستد. حالا اگر هم ئی میل اش کنترل شد، کی گیرش مباره!!!»

مرویم از اصفهان سردگونی قطعی است

«گرامیداشت ۱۳ مهر، روز جهانی معلم (به جای ۱۲ اردیبهشت، روز معلم جمهوری اسلامی) مخالفت آشکار بر علیه رژیم اسلامی بود. معلمان اصفهان دیروز تجمع اعتراض آمیزی را مقابل و در داخل ساختمان سازمان آموزش استان داشتند و در مخالفت با رژیم و بر علیه بی عدالتی شعار دادند. مدارس سراسر اصفهان دیروز و امروز نیمه تعطیل بود. امروز تجمع در محل نواحی آموزش و پرورش بود. امروز از خروج دانش آموزان جلوگیری میکردند تا شاید از پخش بیشتر اخبار جلوگیری کنند. اخبار اصفهان به خبر کوتاهی اکتفا کرد. شنیدم این اعتصاب در سراسر استان بوده است... روند جنبش آزادیخواهی قطعاً منجر به سرنگونی رژیم دیکتاتور، جنایتکار اسلامی خواهد شد. سرنوشتی جز سرنگونی رژیم قابل تصور نیست.»

الهه سرداری ترکیه خبر سنگسار دو زن

الهه از قول دوست دیگری خبر سنگسار مخفیانه دو زن در ایران را داده اند. الهه عزیز خبر را برای اسد گلچینی و مینا احدی میفرستیم تا از صحت و ثقم آن مطمئن شویم.

تلویزیون انترناسیونال

یکشنبه ها و جمعه
۵:۳۰ تا ۶:۳۰ عصر
به وقت تهران
ماهواره کانال یک

برنامه های تلویزیون انترناسیونال در اروپا و آمریکای شمالی هم پخش میشود. این برنامه ها از طریق سایت روزنه نیز قابل دسترسی خواهند بود.

میل: wpi_tv@yahoo.com

تلفن ۳۷ ۲۲ ۵۹۰ ۷۸۱ ۰۰۴۴

فکس ۱۷۳۳ ۲۱۲ ۵۰۳ ۰۰۱

طول موج جدید رادیو انترناسیونال

رادیو انترناسیونال هرروز ساعت ۹ شب به وقت تهران به مدت نیم ساعت روی طول موج ۲۱ متر برابر با ۱۳۸۸۰ کیلو هرتز پخش خواهد شد. روزهای پنجشنبه و شنبه مدت برنامه های رادیو از ساعت ۹ تا ۹ و ۴۵ دقیقه خواهد بود.

برنامه رادیویی سازمان جوانان کمونیست

شنبه ها ۹:۳۰ تا ۹:۴۵

طول موج جدید رادیو انترناسیونال را به اطلاع همه دوستان و آشنایان خود برسانید.
Payamgir radio:
+46 8 659 07 55
Tel: +44 771 461 1099
& +46 70 765 63 62
Fax: +44 870 129 68 58
radio7520@yahoo.com
www.radio-international.org

یعنی اینکه ممکن بود در این صورت رئیس حفاظت اطلاعات جزیره کیش تقوی پیشه می کرد و از خنا می ترسید و از تعرض به یک زن که مادر خانواده ای نیز بود سراز می زد؟! از کجا معلوم اگر این خانم چادر سرش داشت این آقا از فکر تعرض سراز می زد؟! تو وبلاگ زیتون خونم که این خانم در این موقع حوله حمام تنش بوده. خب قبول! اما این موضوع باید انگیزه ای باشه برای تعرض به یک زن؟! حالا این را هم قبول میکنیم که این خانم در این شرایط بوده اما این خانم از خودش دفاع کرده که حق وی بوده و حالا به خاطر حفظ ناموس خودش این آقا را کشته! کلام یک مقصود؟ و کلام یک گناهکار؟! خانمی که از خودش دفاع کرده یا آقابلی که می خواسته به زن و مادر یک خانواده تعرض کنه؟ الله اعلم

بامداد

http://bamdad.blogspot.com

لغت بر هر چه خرنکار فصول!

یکی از کمبودهای بزرگی که در میهن آریایی اسلامی فروری بانوان قرار دارد نبود امکانات ورزشی است. در واقع ورزش یکی از راهای تقویت اعتماد به نفس زنان در جامعه ای مردسالار است. خردم وقتی مسابقات زنان (بخصوص مسابقات دوومیلی) را از تلویزیون کنار تماشا میکنم روحیه خیلی خوبی پیدا میکنم. وقتی هم می شنوم که زنان ایرانی با صدمین چادر و حجاب در مسابقات قایق رانی آسیا ملال می آورند خیلی خوش حال می شوم. حتی وقتی می شنوم که زنان در نیروی انتظامی هم وارد می شوند خوشحال می شوم (دست خردم نیست چه کار کنم!!) این روزها هفته نیروی انتظامی است و من هم با کنجکاوی اخبار زنان نیروی انتظامی را دنبال می کنم. در خبرها خواندم که زنان تکاور هم در برابر چشمان رئیس جمهور دست به شیرین کاری زده اند. بازهم خوشحال شدم. اما این خبرنگارهای سمج نگناشتن این خوشی چندان دوام داشته باشد. از بس که همه شان دوست دارند در سابقه حرفه ای شان چیزی مثل برملا کردن رسوایی واترگیت داشته باشند پس از پایان رزمایش زنان در برابر سید خندان!! کاشف به عمل آمد که در این عملیات مردان شاغل نیروی انتظامی نقش زنان را ایفا کرده اند. خنا برایتان نسازد ای خبرنگاران فصول!!

به دهکده ای میرسیم که زمینهایش مرغوب است و زمین و طبیعت با کشاورزان مدلا را میکنند. تنها مشکل آنها سوء هاضمه همگانی است و نمی دانند چرا چنینند. فقط میدانند که محصول را کمتر میسند چرا که پیشکی برای قوت لایموت خود فروخته اند. برداشت محصول طی سالیان اخیر رشد بی نظیری داشته است و این به آنها ربطی ندارد. آری چشمها را ببینید. ... این سفر می تواند ادامه پیدا کند و خیلی از جاهای دیگر را می توانیم برویم ولی روحان خسته است و زندگی زینا. چشمها را باز کنید و به اطراف بنگرید اگر وسیلستان را کسی نبرده است انسان خوش شانس هستید. پس فردا شب و پرواز دیگر شما را به خنا میسپارم. یادتان نرود که خنا را صدا کنید. فقط خنا را نه کس دیگری را، اگر چه نشوند. مسخره!!!

یادداشت های دو رفیق آزادی خواه

//azadi-barabari.persianblog.com

http:

مولودی از آزادی و برابری به عقیده من:
۱: نمان نام خانوادگی هس مرد به زن
۲: ندادن دین والین به کودک (زمانی که بچه به سن ۱۶ سالگی رسید خودش باید تحقیق کند و دینی را انتخاب کند)
۳: پوشاندن حجاب به دختران زیر ۱۶ سال (به دلیل اینکه دختر باید شاد باشد، بازی کند و ... و به هیچ وجه نباید دختری زیر سن ۱۶ سال را متوجه مسائل مذهبی کرد)
۴: آزادی جنسی (ما نباید فعالیتهای جنسی را محدود به بعد از ازدواج کنیم و اگر دو فرد بالغ آگاهانه و به خواست طرفین دست به این فعالیت زدند هیچ فرد و گروهی حق دخالت ندارد)

دنیای یک ایرانی

http://mehdi110.blogspot.com

خیلی جالبه که از نظر دادگاه نحوه پوشش افسانه نوری در منزل خودش زمینه ساز تجاوزه جناب رئیس اطلاعات کیش به وی بوده! و به همین دلیل حکم اعدام وی صادر شده. این یعنی چه؟ یعنی اینکه اگر این زن پوشش درست و حسابی داشت و در منزل خودش چادر به سرش می کرد مطمئنا این آقا به ایشون تجاوز نمی کرد!!

فقط خدا را صدا کنید!.. مسخره!!

لینک

علی فرهنگ



شاهد

/shahedalone.persianblog.com

http/

زندگی زیبای ما!

مدتی است در انتهای برنامه ((شبتون بخیر)) شبکه ۵، آقایی با یک وردست شروع به آرامش دادن به مردم تهران کرده است و گویی اصلا در ایران زندگی نمیکند و از مشکلات مردم بیخبر است و کلماتی بر زبان می آورد که گویی در پارادایز هستیم. میگوید:

((چشمهاتونو آهسته ببینید، به امروز، به فردا فکر کنید. دستهای خود را از هم باز کنید، سینه را فراخ کنید. نگاه به جلو، مثل زندگی، سلام کنید. شکر، اولین نفس، اولین بلهی ماست، این جمله را خیلی دوست دارم: خنا را صدا کنید. زندگی را پذیرا باشید، دستها را بسوی او دراز کنید و بگوئید: سلام، خنا را ببینید و روح خود را آزاد کنید. کینه و بغض را ول کنید و به دیگران بیانیشتید و فکر کنید اگر نباشند چه میشود، آری خنا هست، پس خنا را صدا کنید. به ایران امروز فکر کنید، ایرانی آزاد. به خوشی ها، به عشق فکر کنید.))

و اما واقعیت چیز دیگری است که صداسیما لاریجانی مدتی است آن را در لفافه های جذاب سریالهای خارجی و پر زرق و برق و برنامه های این چنینی پنهان کرده است و از مردم میخواهد که چشمهاشون بر واقعیتها ببینند.

به نظر من این آقایی محترم، که حتما ناخودآگاه و یا از برای لقمه ای نان چنین برنامه ای را پذیرفته است، زیبایی های زندگی مردم ایران را به طور کامل بیان نکرده و کوتاه از آن میگردد. چرا که دولتمردان ما معتمد مردم ایران در رفاه، آزادی و امنیت بسر میبرند. لذا باید چنین بگوئید: وسایل خود را بر زمین بگذارید و چشمهاتونو آهسته ببینید. سعی کنید چیزی ببینید و حتی خاطره ها را از یاد ببرید چرا که اشک خاطره های این سالیان گذشته

عذایی بس بزرگ است. به هیچ چیز فکر نکنید بگذارید زندگی برای شما تصمیم بگیرد. روحتان را پرواز دهید، به میان کوچه و بازار میرویم. مردم شتازده و حیران در هر هم می لولند، همه به هم تنه میزنند. باهلی یکدیگر را له می کنند فقط به خاطر اینکه شاید قرص نانی بیشتر سهر برند. چشمهاتان را ببینید، آری چشمها باید بسته باشد نغستان تنگ می شود و ضربان قلب شما تندتر میشود.

روحتان را حرکت بدهید جلوتر می رویم. جلوی بیمارستان انساهائی را خواهید دید که زندگی همسرانشان را، فرزندانشان را از مردم تنها می کنند و اینان قربانی گم شدن اعتماد هستند. آری ببینید چشمهاتان را بر واقعیت ببینید.

به منطقه خوش آب و هوایی میرسیم. در زمان حکومت قاجار برای اولین بار هر کس که زیادی مزاحم بود در این مکان به او آب خنک میخورانند. نامش زلفان اوین است. روحان خراش بر میبارد اما مهم نیست به هیچ چیز فکر نکنید. اصولا شما نباید فکر کنید، بخندید و زندگی کنید. خانواده هائی را می بینید که به انتظار عزیزانشان ثانیه ها را میکشند ولی در پایان فقط یک شماره از ردیفهای یک کورستان در یکی از خیابانهای متروکه در جنوب شرقی شهر به نام خاوران نصبشان میگردد. آری چشمها را ببینید زندگی زیباست ای زینا پسند.

از بالا ملارس که میگردد توده های بچه ها را میبینید که مغزهایشان از بالای سر پیلاست. سلولهای مغزشان رنگی است ولی بیشک خاکستری نیست و این یعنی پایان راه. چشمها را ببینید و بگذارید و بگردید.

جوانان کمونیست

نشریه سازمان جوانان
حزب کمونیست کارگری ایران

mosaber@yahoo.com

مصطفی صابر

Tel: 001 604 730 5566

www.jawanan.org

از این سایت ها دیدن کنید:

www.m-hekmat.com

www.rowzane.com

www.hambastegi.org

www.medusa2000.com

www.wpiran.org

www.childrenfirstinternational.org

تلفنهای تماس با دبیران سازمان جوانان کمونیست:

0045 51 80 26 10

0031-613248331

0049 1632693033

0046 70 678 1198

001 604 730 5566

0044 77 61 10 6683

00905552048603

0046 70 48 68 647

0049 174 944 02 01

fax:001 781 735 8359

bahram-modarresi@web.de

دانمارک: شیوا فرهمند

هلند: مجید پسنچی

آلمان: نیز احمد زاده

سوئد: حامد خلکی

کانادا: سامان احمدی

انگلاستان: فرشاد پویا

ترکیه: دبیر تشکیلات خارج: مریم طاهری

دبیر کمیته مرکزی: بهرام مدرسی

مشاور دبیر: ثریا شهابی

آدرس پستی: Jawanan

Postfach 620 515

10795 Berlin

Germany

به سازمان جوانان کمونیست بپیوندید!